

مسعود رازقی (نویسنده مسئول)

طلبه مدرسه علمیه عالی نواب

masoudrazeghi@outlook.com

دکتر حمیدرضا کامل نواب

استادیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه شهید مطهری

چکیده

با گسترش فناوری‌های بهداشتی و بروز بیماری‌های واگیر، استفاده از دستگاه‌های مکانیزه برای تغسیل اموات مطرح شده است؛ اما ماهیت عبادی و توقیفی غسل میت، پرسش‌هایی فقهی درباره مشروعیت این شیوه پدید آورده است. هدف این پژوهش، بررسی جواز فقهی غسل مکانیزه میت در فقه امامیه و پاسخ‌گویی به مهم‌ترین اشکالات مطرح در این زمینه است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر گردآوری و تحلیل فتاوا و دیدگاه‌های فقهای معاصر، تطبیق مبانی اصولی و بررسی ادله نقلی و عقلی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در شرایط عادی، هرگاه انتساب عمل به فاعل مختار (غسال یا اپراتور)، امکان تحقق نیت و قصد قربت، رعایت کیفیت شرعی غسل و حفظ کرامت میت احراز گردد، استفاده از دستگاه مکانیزه مانع شرعی نخواهد داشت. همچنین در شرایط اضطراری، مانند شیوع بیماری‌های واگیردار یا حوادث گسترده، مشروعیت غسل مکانیزه با استناد به قواعد فقهی ضرورت، نفی حرج، حفظ نفس محترمه و رعایت مصالح عمومی مسلمانان تقویت می‌شود. بر این اساس، استفاده از دستگاه‌های مکانیزه در تغسیل اموات، در چارچوب ضوابط شرعی و تحت نظارت انسانی، با مبانی فقه امامیه سازگار بوده و می‌تواند در سیاست‌گذاری غسال‌خانه‌ها و تدوین استانداردهای فنی-شرعی مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

کلیدواژه: غسل مکانیزه اموات، غسل میت با دستگاه، حفظ کرامت میت، مصلحت عمومی

غسل میّت از واجبات کفایی در شریعت اسلام و از عبادات توقیفی است که اهمیت آن در روایات و اجماع فقها به روشنی آشکار شده است؛ به گونه‌ای که برخی از اندیشمندان فقهی آن را از ضروریات مذهب، بلکه از ضروریات دین دانسته‌اند. در منابع فقهی همچون جواهر الکلام، مصباح الهدی و مهذب الأحکام، گستره بحث از این فریضه تا آن جاست که کوچک‌ترین جزئی از آن — از کیفیت شست‌وشو تا ترتیب اعضا و مسائل مرتبط با غسل مانند جنسیت — مورد دقت و تحقیق واقع شده است.^۱ بدین سان روشن است که تغسیل اموات صرفاً عملی بهداشتی یا عرفی نیست، بلکه عبادتی است با ابعاد فقهی، عبادی و اجتماعی گسترده که مشروعیت آن تنها در محدوده نص و دلیل شرعی معنا می‌یابد.

با گسترش فناوری‌های نوین و ورود ابزارهای مکانیکی به حوزه‌های مختلف زندگی، انسان توانسته است بسیاری از فعالیت‌های پرزحمت یا پرخطر را به دستگاه‌ها واگذار کند. این تحوّل نه تنها موجب سهولت و سرعت در انجام کارها شده، بلکه به لحاظ بهداشتی نیز مزایایی آشکار دارد. در حوزه خدمات عمومی — مانند پزشکی، پرستاری، و حتی امور تدفین — استفاده از ابزار مکانیزه به منظور حفظ سلامت انسان‌ها روزه‌روز گسترش یافته است. با ظهور بیماری‌های واگیردار و همه‌گیری‌هایی نظیر کووید ۱۹، یکی از مواردی که بیش از پیش نیاز به بازنگری و مکانیزه‌سازی در آن احساس شد، عملیات تغسیل اموات بود؛ چراکه تماس مستقیم غسل با بدن فرد متوفی در چنین مواردی می‌تواند خطری جدی برای سلامت او و دیگران ایجاد کند.

با وجود این ضرورت‌های عملی، پرسش اساسی آن است که آیا از منظر فقه امامیه می‌توان انجام این عمل عبادی را به دستگاه‌های مکانیزه واگذار کرد یا خیر؟

آیا دخالت فناوری در انجام عبادت توقیفی، با اصل «توقیفیت در عبادات» و لزوم مباشرت انسانی در اعمال عبادی منافات دارد؟ و در صورت جواز، حدود و ضوابط شرعی آن چیست؟

این پرسش‌ها، به‌ویژه پس از طرح ایده «غسل مکانیزه» در برخی شهرهای ایران (از جمله قزوین و مشهد) و اظهار نظرهای متفاوت فقهای معاصر، اهمیتی دوچندان یافته است. گروهی از فقها، مانند آیت‌الله شبیری زنجانی و آیت‌الله توری همدانی، با رعایت شرایط شرعی و تحقق نیّت، جواز آن را پذیرفته‌اند؛ در حالی که برخی دیگر، از جمله آیت‌الله صافی گلپایگانی و آیت‌الله صادق روحانی، بر عدم تحقق مباشرت و قصد قربت تأکید کرده و صحت چنین غسلی را محل اشکال دانسته‌اند. این اختلاف دیدگاه نشان می‌دهد که مسئله، صرفاً یک پرسش فنی یا بهداشتی نیست، بلکه ماهیتی عمیقاً فقهی دارد و نیازمند بررسی اصولی و تطبیقی است.

از سوی دیگر، بررسی ادله شرعی غسل میّت و مبانی اصولی عبادات نشان می‌دهد که سه عنصر در صحت چنین اعمالی نقش اساسی دارد:

۱. انتساب عرفی فعل به فاعل مختار (مباشرت و اسناد عمل به انسان)،

۲. تحقق قصد قربت یا قصد امتثال امر شارع،

۳. رعایت کیفیت مأمور به در حدود نص و دلیل.

بنابراین، پاسخ به مسئله غسل مکانیزه در گرو تحلیل فقهی دقیق هر سه عنصر و بررسی این است که آیا استفاده از دستگاه، این عناصر را مخدوش می‌کند یا خیر.

اگرچه بحث در ارتباط با غسل میّت و حدود و شرائط آن دارای پیشینه طولانی در فقه شیعه است اما تاکنون در منابع فقهی امامیه پژوهش مستقلی در زمینه انجام غسل میّت به صورت مکانیزه صورت نگرفته است. تنها در قالب استفتانات، اشاراتی به جواز یا عدم جواز چنین غسلی وجود دارد، اما تحلیل مبنایی و نظام‌مند آن در آثار فقها به چشم نمی‌خورد. تنها اثر غیرپژوهشی مستقل پیرامون این موضوع، جزوه «دستگاه مکانیزه شست‌وشو اموات» است که ابتدا به موضوع شناسی و سپس بیان استفتانات پیرامون این موضوع پرداخته و هیچگونه بحث استدلالی در این رابطه مطرح نکرده است. براساس جستجوی نگارندگان، در تقریرات دروس خارج نیز بحثی پیرامون این موضوع یافت نشد. البته فقیهان امامی بحث از غسل میّت را به گونه‌ای مطرح کرده‌اند که برخی از ابعاد غسل مکانیزه اموات نیز از آن قابل برداشت است اما بی‌تردید بررسی تمام ابعاد این موضوع پژوهش

۱. اصفهانی، جواهر الکلام، ۳۰/۴.

۲. آملی، مصباح الهدی، ۴۱۳/۵.

۳. موسوی سبزواری، مهذب الأحکام، ۴۰۸/۳.

مستقلی را می‌طلبد. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد است با رویکردی توصیفی — تحلیلی، مسئله جواز فقهی غسل میت با دستگاه مکانیزه را از منظر فقه امامیه بررسی کند و با واکاوی آراء فقهای معاصر و نقد مبانی هر دیدگاه، تصویری روشن از محدوده جواز شرعی در این موضوع ارائه دهد.

در این پژوهش، ابتدا مفاهیم بنیادین مانند غسل، غسل میت و ماهیت دستگاه تغسیل مکانیزه تبیین می‌شود. سپس دیدگاه‌های فقهی و اشکالات مطرح در باب مباشرت، نیت، قصد قربت و حفظ کرامت میت تحلیل و پاسخ داده می‌شود. نهایتاً با تکیه بر مبانی اصولی، نتیجه گرفته خواهد شد که در فرض دخالت اراده و نظارت انسانی، غسل مکانیزه اموات از نظر شرع مقدس اسلام با مانع جدی مواجه نیست و می‌تواند به عنوان الگویی فقهی — بهداشتی در شرایط خاص مورد استفاده قرار گیرد.

۱. مفهوم شناسی

۱/۱. غُسل

واژه «غُسل» در لغت، اسم مصدر «غَسَلَ» است^۱ و به معنای رساندن آب به تمامی اعضای بدن و زدودن چرک و آلودگی از آن با جاری ساختن آب می‌باشد. همچنین به آبی که با آن شست‌وشو انجام می‌گیرد نیز «غُسل» گفته می‌شود.^۲

در اصطلاح فقهی، «غُسل» به فعلی خاص اطلاق می‌گردد که حقیقتی مُتشرّعه یافته و در زمره عبادات توقیفی است؛ بدین معنا که کیفیت، اجزاء، شرایط و موانع آن تنها به جعل و تبیین شارع مقدّس وابسته است و بدون بیان او، عقل یا عرف مجاز به تعیین چگونگی آن نیست.^۳

این واژه در عرف شرعی از معنای لغوی خود — که صرف شست‌وشو و زدودن آلودگی بود — به معنای خاص تری نقل یافته است، یعنی به افعالی که اثر شرعی آن رفع حدث اکبر است، نظیر جنابت، حیض، نفاس، استحاضه و حدث موت. در نتیجه، «غُسل» در فقه اسلامی تنها به تطهیر بدنی که منشأ اثر شرعی دارد اطلاق می‌شود، نه هر نوع شست‌وشوی معمولی.^۴

عمل غسل شرعی از نظر کیفیت انجام، به دو گونه تقسیم می‌شود:

۱. **غسل ترتیبی:** غسلی است که در آن ابتدا سر و گردن، سپس سمت راست بدن و پس از آن سمت چپ شسته می‌شود و عورت نیز با هر یک از دو طرف شسته می‌گردد. در این نوع غسل، ترتیب بین اعضا شرط بوده و عمل مرکّب از سه جزء دانسته می‌شود. البته برخی از فقیهان مانند کاشف الغطاء قائل اند که غسل تنها از دو جزء تشکیل می‌شود و شستن تمام بدن را بدون ترتیب میان طرف راست و چپ کافی می‌دانند.^۵

۲. **غسل ارتماسی:** در این نوع غسل، تمام بدن در یک دفعه عرفی در آب فرو برده می‌شود و همین فرو رفتن، موجب تحقق غسل است. فقیهان سه گونه از غسل ارتماسی را ذکر کرده‌اند:

الف) **ارتماس تدریجی:** که در آن نیت می‌شود ابتدای غسل با فرو بردن نخستین جزء بدن در آب و انتهای آن با فراگرفتن آخرین جزء توسط آب محقق شود.

ب) **ارتماس آبی نوع ۱:** که در آن قصد می‌شود آب در یک آن تمام بدن را فراگیرد، هرچند ممکن است بدن پیش از آن در خارج آب نباشد.

۱. فیومی، المصباح المنیر، ۴۴۷/۲

۲. طریحی، مجمع البحرین، ۳۸۰/۳

۳. مشکینی اردبیلی، مصطلحات الفقه، ۴۱۰

۴. غدیری، القاموس الجامع للمصطلحات الفقهية، ۴۰۲

۵. یزدی، عروة الوثقی، ۴۹۴/۱

ج) ارتماس آبی نوع ۲: که پس از قرار گرفتن همه بدن در زیر آب، در همان آن نیت غسل انجام می‌گیرد، خواه با حرکت دادن بدن همراه باشد یا بدون آن.^۱

این تقسیم‌بندی در واقع ناظر به تفاوت در «نحوه وصول آب به تمام بدن» است و از آن جهت اهمیت دارد که در مسائل مربوط به غسل میّت نیز، نوع شست‌وشو و تحقق عرفی وصول آب به اعضا، در حکم فقهی نقش تعیین‌کننده دارد.

۱/۲. غسل میّت

غسل میّت یکی از غسل‌های واجب در فقه اسلامی است که به لحاظ کمی و کیفی با سایر غسل‌ها تفاوت دارد. از جهت کمی، این غسل مرکب از سه مرتبه شست‌وشو است؛ و از جهت کیفی، هر مرتبه باید با نوع خاصی از آب انجام گیرد:

نخست با آب مخلوط به سدر، سپس با آب مخلوط به کافور، و در پایان با آب خالص.^۲ این ترتیب از ضروریات غسل میّت بوده و باید دقیقاً رعایت شود، به گونه‌ای که تقدیم و تأخیر در آن موجب بطلان عمل می‌گردد.^۳ افزون بر این، غسل میّت همانند سایر غسل‌ها نیازمند پاک بودن آب و رسیدن آن به تمام بدن است،^۴ اما نسبت به دیگر اغسال، دارای شرایط اختصاصی و احکام ویژه‌ای نیز می‌باشد.

از جمله شرایط اختصاصی غسل میّت، رعایت ترتیب میان سه غسل، رعایت ترتیب اعضا در هر غسل (سر و گردن، جانب راست و جانب چپ)،^۵ و مماثلت جنسیتی میان غسل و میّت است؛ یعنی مرد باید مرد را غسل دهد و زن باید زن را، مگر در موارد استثنایی که فقه به طور خاص تجویز کرده است.^۶ رعایت این شرط از آن جهت است که حفظ حرمت و عفاف میّت از مقاصد اصلی شارع در احکام تجهیز اموات به شمار می‌رود تا جایی برخی به عنوان قاعده فقهی «حرمة المیت کحرمة الحی» را مطرح کرده اند.^۷

علاوه بر این، در غسل میّت برخلاف سایر اغسال، نیت قربت یا قصد امتثال امر شارع محلّ اختلاف است؛ زیرا برخی از فقها آن را عبادتی توصیفی دانسته و سقوط تکلیف را صرفاً با تحقق عمل صحیح می‌پذیرند، در حالی که گروهی دیگر تحقق نیت قربت را برای صحت غسل شرط می‌دانند.^۸ بررسی این اختلاف و آثار فقهی آن، از مباحث کلیدی در تحلیل جواز غسل مکانیزه محسوب می‌شود.

همچنین در منابع فقهی آمده است که غسل میّت باید به گونه‌ای انجام شود که آب به تمامی بدن برسد و مانعی در راه جریان آب وجود نداشته باشد؛^۹ از این رو، بررسی نحوه تحقق وصول آب در روش‌های جدید مانند غسل مکانیزه اهمیت ویژه‌ای دارد.

به این ترتیب، غسل میّت در فقه امامیه عملی است با ابعاد عبادی، طهارتی و انسانی، که هم در کیفیت اجرا و هم در نیت و مباهرت، تابع احکام خاص شرعی است و نمی‌توان در آن از حدود توقیفی شارع تجاوز کرد.^{۱۰}

۱/۳. دستگاه تطهیر میّت

قبل از اینکه بخواهیم درباره شست‌وشوی اموات با دستگاه سخن بگوییم لازم است با دستگاه و ساز و کارش آشنایی مختصری پیدا کنیم؛ چرا که آشنایی با دستگاه قطعاً در شیوه استنباط حکم تأثیرگذار است.

۱. مشکینی اردبیلی، مصطلحات الفقه، ۴۱۰.

۲. یزدی، عروة الوثقی، ۴۷/۲.

۳. همو، همان.

۴. همو، همان، ۵۳.

۵. همو، همان.

۶. همو، همان، ۳۳.

۷. تسخیری، القواعد الفقهية و الاصولية علی مذهب الامامية، ۱۹۴/۳.

۸. طباطبایی، ریاض المسائل، ۳۶۳/۱؛ محقق حلی، المعتمد، ۲۶۵/۱؛ نراقی، مستند الشیعة، ۱۳۲/۳.

۹. موسوی سبزواری، مهذب الاحکام، ۸/۴.

۱۰. مشکینی اردبیلی، مصطلحات الفقه، ۴۱۴.

در آغاز، لباس های میّت با رعایت کامل احترام و با حفظ پوشش عورتین از بدن وی خارج می شود. سپس پیکر میّت روی نوار نقاله مخصوص قرار گرفته و وارد دستگاه می گردد. در داخل دستگاه، در زیر بدن غلتک هایی با فاصله ای حدود پنج سانتی متر از یکدیگر تعبیه شده است که یکی در میان در جهت مخالف هم حرکت می کنند. در همین حال، برس های نرم و مخصوصی از رو و زیر بدن به چرخش درمی آیند و با استفاده از آب گرم و مواد شوینده، سطح بدن را شست و شو می دهند. جنس برس ها به گونه ای طراحی شده که هیچ گونه آسیب یا خراش بر پوست وارد نمی کند و مانع کنده شدن مو یا جدا شدن پوست میّت می شود.

در مرحله بعد، مجموعه ای از آب فشان ها، آب ولرم را بر بدن می پاشند تا مواد شوینده و آلودگی های احتمالی کاملاً برطرف گردد و بدن انعطاف لازم را برای انجام غسل شرعی پیدا کند. پس از این مرحله، دستگاه به کمک سامانه حسگر و اسکنر، ابعاد دقیق بدن را اندازه گیری کرده و متناسب با آن مراحل بعدی شست و شو را تنظیم می نماید.

در گام بعد، بدن میّت توسط نقاله عمودی شاخکی از روی نوار نقاله اصلی به سکوی شست و شوی ثانویه منتقل می شود. این سکوی دارای قطعات عرضی متعددی است که هر کدام به صورت مستقل و متوالی بالا و پایین می روند. در نتیجه، سطح زیرین بدن نیز به تدریج در معرض شست و شو قرار گرفته و هیچ بخشی از بدن بدون تماس با آب باقی نمی ماند. در این مرحله، به جای برس های چرخان، از فرچه های لرزشی استفاده می شود تا احتمال هرگونه آسیب به پوست یا مو به حداقل برسد.

در مرحله بعد، غسل شرعی آغاز می گردد. در این بخش، آب در سه مرحله مجزا (آب مخلوط با سدر، آب مخلوط با کافور، و آب خالص) از طریق نازل هایی دقیق بر بدن پاشیده می شود. هر یک از این آب ها در مخزن جداگانه ای ذخیره شده و به شبکه آب شهری متصل اند. کنترل نازل ها و زمان بندی جریان آب به وسیله شیرهای برقی و سیستم الکترونیکی مرکزی انجام می شود تا هیچ گاه آب مضاف نگردد و کیفیت شرعی حفظ شود. با تنظیم دقیق این نازل ها، می توان ابتدا سر و گردن، سپس سمت راست و در نهایت سمت چپ بدن را غسل داد، به گونه ای که ترتیب شرعی میان اعضا رعایت شود.

برای شست و شوی کامل پشت بدن، توری های مخصوصی در بخش زیرین تعبیه شده تا آب به تمام قسمت های پشت نفوذ کند، و از قسمت جلو نیز برس هایی وظیفه شست و شوی سر و گردن را بر عهده دارند. نازل های خاصی برای نقاط دشوار مانند زیر بغل، پهلوها، بین انگشتان و بین پاها پیش بینی شده اند تا از رسیدن آب به تمام بدن اطمینان حاصل گردد.

کنترل تمام مراحل به صورت دستی و مرحله به مرحله از طریق کلیدهای مستقل انجام می شود؛ به گونه ای که غسال (اپراتور) می تواند هر مرحله را به صورت جداگانه فعال کند. بدین ترتیب، مباشرت غسال در انجام عمل حفظ شده و دستگاه صرفاً ابزار تسهیل کننده است، نه جایگزین کامل انسان. پس از پایان شست و شو، دستگاه با جریان هوای گرم، سطح بدن را خشک می کند. سپس درهای دستگاه باز شده و پیکر میّت از روی سکوی شست و شو به نوار نقاله خروجی منتقل می شود تا کفن پوشی، طبق دستور شرع، به صورت دستی انجام گیرد.

تمامی مراحل کار دستگاه توسط سیستم های الکترونیکی دقیق تحت نظارت اپراتور و ناظر شرعی انجام می شود و فرایند کامل آن حدود بیست دقیقه به طول می انجامد. افزون بر این، در بخش های مختلف دستگاه دوربین های تصویربرداری نصب شده تا عملیات شست و شو مستندسازی گردد و در پرونده اختصاصی هر میّت ثبت شود. این اقدام، هم از جهت پاسخ گویی شرعی و حقوقی مفید است و هم از منظر کنترل کیفی فرایند.

لازم به ذکر است که تمامی مراحل فوق پیش از بهره برداری، بر روی فرد زنده آزمایش و صحت عملکرد مکانیکی و ایمنی دستگاه تأیید شده است.^۱

در سال ۱۳۸۷ خبر استفاده از دستگاه شستشوی میّت منتشر شد و برای اولین بار در ایران در سال ۱۳۸۸ در غسل خانه معراج قزوین مورد استفاده قرار گرفت. سپس در سال ۱۳۸۹ در بهشت رضای مشهد هم به کار رفت، ولی پس از مدتی استفاده از آن به دلیل مسائل شرعی متوقف شد. در سال ۱۳۹۰ جمعی از مراجع تقلید نظر فقهی خود را در خصوص استفاده از این دستگاه صادر کردند.^۲

۱. فلاح زاده، دستگاه مکانیزه شستشوی اموات، ۱۳

۲. مجله اینترنتی برترین ها به آدرس www.bartarinha.ir، خبر ۲۰۱۰۸۶، دسترسی در تاریخ ۱۴۰۴/۹/۱۱.

استفاده از دستگاه مکانیزه برای تغسیل اموات، افزون بر آنکه پاسخی به دغدغه‌های بهداشتی و ایمنی در شرایط خاص است، دارای مزایای متعددی است که برخی از آن‌ها بُعد فقهی و برخی دیگر بُعد فنی و اجتماعی دارد. اهمّ این مزایا عبارت‌اند از:

۱. رعایت کامل اصول بهداشتی: در روزگار کنونی، با صنعتی شدن زندگی و گسترش ارتباطات جهانی، بشر با جهش میکروب‌ها و ظهور بیماری‌های واگیردار نوپدید مواجه شده است؛ بیماری‌هایی که سلامت عمومی جوامع را به‌ویژه در شرایط بحران تهدید می‌کنند. سرعت شیوع بیماری‌ها نیز به دلیل توسعه حمل‌ونقل و جابه‌جایی آسان انسان‌ها بسیار افزایش یافته است، تا جایی که گاه یک بیماری منطقه‌ای در فاصله کوتاهی به سطح یک «پاندمی جهانی» می‌رسد. در چنین وضعیتی، تماس مستقیم با بدن امواتی که به سبب این بیماری‌ها درگذشته‌اند، خطر انتقال ویروس را برای غسالان و سایر افراد به همراه دارد. بهره‌گیری از دستگاه مکانیزه، با حذف تماس مستقیم دست با بدن میت و محدود کردن مسیرهای انتقال، می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از گسترش بیماری‌ها ایفا کند و از این جهت، با مقاصد شرعی حفظ نفس و صیانت از سلامت جامعه سازگار است.

۲. افزایش سرعت و سهولت در انجام غسل: فرایند سنتی غسل میت در بسیاری از موارد نیازمند چند غسال، صرف نیروی زیاد و زمان طولانی است. این امر در شرایط بحرانی — مانند جنگ، زلزله یا حوادث گسترده — دشواری‌های زیادی ایجاد می‌کند و گاه تأخیر در انجام غسل موجب فساد بدن‌ها و هتک حرمت اموات می‌شود. استفاده از دستگاه مکانیزه سبب می‌گردد که عملیات تغسیل با سرعت، نظم و دقت بیشتری انجام شود و امکان تجهیز شمار بیشتری از اموات در زمان کوتاه‌تری فراهم گردد. بدین ترتیب، دستگاه در مواقع اضطراری نقشی کارآمد و ضروری خواهد داشت.

۳. صرفه‌جویی در مصرف آب: با توجه به بحران جهانی آب و توصیه‌های شرعی درباره پرهیز از اسراف، کاهش مصرف آب در هر زمینه‌ای اهمیت دارد. دستگاه مکانیزه به دلیل طراحی مهندسی شده و کنترل دقیق نازل‌ها، مقدار آب مصرفی را به حداقل می‌رساند و مانع هدررفت آن می‌شود، بدون آنکه در صحت غسل خللی وارد آید.

۴. حفظ و تقویت حرمت و کرامت میت: در فرایند سنتی تغسیل، گاه به سبب سهل‌انگاری یا شرایط نامناسب محیطی، احتمال کشف عورت میت یا رفتارهای غیرمؤدبانانه از سوی افراد ناآگاه وجود دارد. افزون بر این، در برخی موارد به دلیل از بین رفتن قوه ماسکه بدن، نجاسات از میت خارج می‌شود و احتمال تماس مستقیم با بدن او وجود دارد که ممکن است بی‌احترامی تلقی شود. در دستگاه مکانیزه، پوشش عورتین کاملاً محفوظ می‌ماند و تماس فیزیکی به حداقل ممکن کاهش می‌یابد؛ از این رو، کرامت میت بهتر رعایت می‌شود. همچنین اجرای فرایند به شکل منظم و بدون حرکات غیرضروری، جلوه‌ای از احترام و آرامش را به همراه دارد که با مقصود شارع در حفظ حرمت انسان پس از مرگ هماهنگ است.

۵. ارتقای کیفیت و یکنواختی غسل: در شیوه سنتی، کیفیت انجام غسل به مهارت و دقت غسال بستگی دارد و ممکن است گاه در برخی اعضا آب به‌طور کامل نرسد. اما در روش مکانیزه، فشار و زاویه پاشش آب، زمان شست‌و‌شو و نواحی تحت پوشش به صورت دقیق تنظیم می‌شود و اطمینان حاصل می‌گردد که آب به همه بدن رسیده و هیچ عضوی فروگذار نشده است. این یکنواختی، افزون بر رعایت کامل شرایط فقهی، سبب اطمینان خاطر ناظر شرعی نیز می‌شود.

در مجموع، دستگاه مکانیزه تغسیل اموات، با تلفیق اصول فنی و بهداشتی با الزامات فقهی، می‌تواند به‌عنوان گامی در جهت تسهیل اجرای احکام شرعی در شرایط نوپدید و حفظ کرامت انسان در لحظه وداع با دنیا به شمار آید.

در کنار مزایایی که برای دستگاه مکانیزه شست‌و‌شوی اموات بر شمرده شد، این فناوری خالی از اشکال و محدودیت نیست. برخی از این موارد ماهیتی فنی یا اقتصادی دارد و برخی دیگر جنبه فقهی و فرهنگی پیدا می‌کند. اهمّ این معایب عبارت‌اند از:

۱. هزینه بالا و صرفه اقتصادی اندک: ساخت، نصب و نگهداری دستگاه‌های مکانیزه تغسیل به سرمایه‌گذاری کلان و تجهیزات تخصصی نیاز دارد. از آن‌جا که هدف از به‌کارگیری این دستگاه، سودآوری اقتصادی نیست بلکه تسهیل در امر شرعی تغسیل و رعایت اصول بهداشتی است، استفاده از آن بازده مالی ندارد و هزینه‌هایش در کوتاه‌مدت جبران نمی‌شود. در نتیجه، برای بسیاری از شهرها و مراکز کوچک، بهره‌برداری از چنین

دستگاهی مقرون به صرفه نخواهد بود. افزون بر این، نیاز به تعمیرات دوره‌ای، قطعات وارداتی و نیروی فنی متخصص، هزینه‌های جانبی این دستگاه را افزایش می‌دهد.

۲. **محدودیت در شست‌وشوی برخی از اموات:** برخی از اموات به دلیل وضعیت خاص جسمی، قابلیت شست‌وشوی مکانیزه را ندارند. از جمله می‌توان به پیکرهایی اشاره کرد که در اثر حادثه یا بیماری دچار تجزیه، سوختگی شدید یا شکنندگی پوست شده‌اند، یا پیکر کودکان و نوزادان که پوست لطیف و آسیب‌پذیری دارند. در این موارد، تماس برس‌ها یا فشار آب پاشیده‌شده ممکن است موجب پارگی پوست یا جدا شدن بافت‌ها گردد. از این رو، استفاده از دستگاه در چنین مواردی نه تنها بی‌فایده است بلکه می‌تواند موجب بی‌احترامی یا حتی نقض شرط شرعی «عدم ایذاء میت» شود. بنابراین، لازم است این دستگاه‌ها تنها برای اجساد با شرایط فیزیکی مناسب مورد استفاده قرار گیرند و در موارد خاص، شیوه سنتی دستی به کار گرفته شود.

۳. **خطر وابستگی و تکنولوژی‌زدگی:** از منظر فرهنگی و تربیتی، تکیه افراطی بر فناوری در اعمال عبادی می‌تواند به مرور زمان موجب فراموشی مهارت‌های سنتی و فاصله گرفتن از فضای معنوی این اعمال شود. تغسیل میت افزون بر بُعد فقهی، واجد بُعد تربیتی و روحی است؛ زیرا حضور غسل، لمس پیکر بی‌جان و مواجهه مستقیم با مرگ، انسان را به یاد فناپذیری و آخرت می‌اندازد. چنان‌که در روایات نیز بر عبرت گرفتن از دیدن میت تأکید شده است. اگر تمام مراحل تجهیز اموات صرفاً به صورت مکانیزه و بدون تماس انسانی انجام گیرد، این جنبه تربیتی و تأثیر معنوی از میان می‌رود و «عمل عبادی تغسیل» به یک فرایند فنی و بی‌روح تبدیل می‌شود. از این رو، این نگرانی وجود دارد که به کارگیری مداوم دستگاه، به تدریج موجب فراموشی سیره سنتی غسل میت و کاهش توجه به باطن عبادی آن گردد.

۴. **محدودیت اجرایی در شرایط فقهی خاص:** برخی از احکام شرعی تغسیل — مانند رعایت ترتیب دقیق بین سر و گردن و دو سمت بدن، یا لزوم مباشرت غسل در انجام هر غسل — ممکن است در قالب سیستم‌های خودکار به دشواری اجرا شود. هرچند در طراحی دستگاه امکان کنترل دستی پیش‌بینی شده است، اما هرگونه نقص فنی یا خطای اپراتور می‌تواند سبب عدم تحقق ترتیب یا نیت در زمان مناسب گردد. این مسئله در مقام عمل، احتمال بروز اشکال فقهی در صحت غسل را افزایش می‌دهد و نیازمند نظارت مستمر ناظر شرعی است.

۵. **وابستگی به برق و تجهیزات الکترونیکی:** از دیگر نواقص این دستگاه آن است که عملکرد کامل آن به برق و سامانه‌های دیجیتال وابسته است؛ لذا در شرایط اضطراری، قطع برق، یا خرابی سیستم، فرایند تغسیل متوقف می‌شود. در حالی که روش سنتی غسل، بدون هیچ ابزار خاصی و صرفاً با آب و نیت صحیح قابل انجام است.

با توجه به مجموعه این نکات، روشن می‌شود که هرچند دستگاه مکانیزه تغسیل اموات دارای مزایای چشمگیری است، ولی استفاده از آن نیازمند ضوابط دقیق شرعی و فنی است تا ضمن بهره‌گیری از دستاوردهای فناوری، از بروز خطاهای فقهی یا فرهنگی در اجرای این فریضه عبادی جلوگیری شود.

۱،۳،۵. جمع‌بندی مزایا و محدودیت‌ها

در مجموع، مهم‌ترین مزایای استفاده از دستگاه تغسیل مکانیزه را می‌توان در چهار محور خلاصه کرد: ارتقای سطح بهداشت و کاهش خطر انتقال بیماری، حفظ بیشتر کرامت میت از طریق کاهش تماس‌های غیر ضروری، افزایش سرعت و دقت در شرایط بحرانی و امکان نظارت بهتر بر اجرای صحیح مراحل غسل. در مقابل، مهم‌ترین چالش‌های مطرح شده درباره این شیوه، ناظر به امکان انتساب عرفی فعل به غسل، تحقق نیت و سایر شرایط شرعی، احتمال هتک حرمت میت و تردید در مشروعیت آن از منظر برخی دیدگاه‌های فقهی است. از این رو، در ادامه مقاله، این چالش‌ها به صورت مستقل و با استناد به ادله فقهی مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۲. ادله شرعی غسل میت با دستگاه در حالت اختیار

۲/۱. نظرات فقهاء در اینباره

برای بررسی فقهی غسل مکانیزه اموات، نخست باید دیدگاه‌های فقه‌های معاصر را در این زمینه شناخت. تحلیل فتاوی ایشان می‌تواند ما را با محورهای اصلی اختلاف و اشکالات احتمالی در صحت این نوع غسل آشنا سازد. بر پایه استفتائات و منابع فقهی موجود، آراء فقها در این مسئله به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: گروه موافقان و گروه مخالفان.

۱. فقه‌های موافق

آیت الله العظمی شبیری زنجانی: ایشان فرموده‌اند: «با رعایت همه شرایط و قصد قربت، مانعی ندارد.»^۱ از این فتوا برمی‌آید که در نظر ایشان، استفاده از دستگاه در صورتی که عمل تحت اراده انسان و همراه با نیت قربت انجام گیرد، اشکال شرعی ندارد. به بیان دیگر، شرط اصلی صحت غسل مکانیزه در نظر آیت الله شبیری، تحقق قصد قربت و مطابقت عمل با ضوابط شرعی است. آیت الله العظمی نوری همدانی: ایشان در پاسخ به استفتا فرموده‌اند: «اگر غسل دهنده نیت کند مانعی ندارد، به شرط آن‌که مطابق دستور شرع انجام بگیرد.»^۲

فتاوی ایشان نیز در همان مسیر فتاوی آیت الله شبیری است، با تأکید بر دو نکته کلیدی: نخست، تحقق نیت از سوی غسال؛ و دوم، لزوم مطابقت تمام مراحل عمل با کیفیت شرعی مقرر در روایات. از فحواي این نظر می‌توان استنباط کرد که اگر دستگاه به گونه‌ای طراحی شده باشد که غسال کنترل و اراده اجرای هر بخش را در اختیار داشته باشد، مانعی از جهت شرع وجود ندارد.

آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی: ایشان در پاسخ به استفتا چنین نوشته‌اند: «در فرض مسئله باید هر یک از غسل‌های سه‌گانه میت به مباشرت غسل دهنده انجام شود و استفاده از وسایل برقی برای باز کردن شیر آب یا جابه‌جایی جسد اشکال ندارد؛ اما اگر دستگاه خودکار باشد که مباشرت غسل دهنده در آن نباشد، هر چند در یک غسل یا یک عضو هم باشد، غسل صحیح نیست.»^۳

از این نظر چنین برمی‌آید که شرط اساسی در صحت غسل، مباشرت انسانی در هر مرحله از شست و شو است. ایشان استفاده از ابزار و وسایل کمکی را جایز می‌دانند، اما آن‌جا که دستگاه به صورت خودکار عمل کند و نقش انسان به کلی حذف شود، عمل را فاقد اعتبار شرعی می‌دانند.

آیت الله العظمی جواد تبریزی: ایشان فرموده‌اند: «در غسل میت، ترتیب بین سر و گردن و جانب راست و چپ معتبر است و از جهت دیگر لازم است قبل از غسل هر عضو، آن را از آب بیرون آورد یا آب را از او قطع کند تا غسل حدوثی محقق شود و همراه با غسل حدوثی شخص غسل دهنده نیت کند، وگرنه غسل باطل است، والله العالم.»^۴

در این فتوا تأکید بر دو رکن است: رعایت ترتیب شرعی بین اعضا و تحقق غسل حدوثی همراه با نیت فعلی. بنابراین، اگر دستگاه به گونه‌ای عمل کند که بدن میت به صورت یکپارچه شسته شود و ترتیب یا قصد قربت در زمان شست و شوی هر عضو تحقق نیابد، از نظر ایشان غسل باطل خواهد بود.

آیت الله مظاهری: ایشان بیان داشته‌اند: «شستن او جایز است، ولی غسل او باید با نیت و مواظبت غسال باشد.»^۵ مقصود ایشان از «مواظبت غسال» ظاهراً آن است که غسال باید در تمام مراحل غسل حضور مؤثر داشته و روند اجرای آن را با نیت شرعی کنترل کند؛ در غیر این صورت، غسل صرفاً یک فرایند فنی بوده و فاقد ارزش عبادی خواهد بود. این دیدگاه با نظر آیت الله صافی از جهت تأکید بر مباشرت انسانی همسوست.

ب. فقه‌های مخالف

۱. شبیری زنجانی، استفتائات شبیری، ۲۲۹/۱

۲. نوری همدانی، هزار و یک مسئله فقهی، ۴۰/۲

۳. صافی گلپایگانی، جامع الأحکام، ۵۰/۱

۴. تبریزی، استفتائات تبریزی، ۳۱/۲

۵. مظاهری، استفتائات مظاهری، ۱۶۷

آیت الله العظمی صادق روحانی: ایشان به طور صریح فرموده اند: «هو العالم؛ جایز نیست»^۱

از فتوای کوتاه و قاطع ایشان برمی آید که اساساً تغسیل اموات به روش مکانیزه را مخالف با ماهیت عبادی و توقیفی غسل می دانند. در واقع، بر اساس مبنای ایشان، چون غسل میّت عبادتی است که کیفیت آن از سوی شارع تعیین شده و هیچ دلیلی بر جواز انجام آن با وسایل مکانیکی وجود ندارد، اصل احتیاط در عبادات اقتضا می کند که چنین شیوه ای مردود دانسته شود.

با جمع بندی این فتاوا می توان نتیجه گرفت که محور اصلی اختلاف فقها در دو مسئله کلیدی است: تحقق مباحث و انتساب فعل غسل به فاعل انسانی در صورت استفاده از دستگاه؛ تحقق قصد قربت یا نیت شرعی در حین انجام عملیات مکانیزه.

گروهی از فقها با لحاظ امکان حفظ این دو شرط، جواز غسل مکانیزه را پذیرفته اند؛ در حالی که گروه دیگر به دلیل عدم احراز آن ها، یا به جهت التزام به توقیفیت عبادات، چنین عملی را ناصحیح دانسته اند. این اختلاف مبنایی، زمینه ساز بررسی تفصیلی ادله و اشکالات فقهی در بخش بعدی مقاله خواهد بود.

۲/۲. اشکالات وارده و پاسخ به آن ها

واضح است که محل اصلی بحث این است که آیا شستشوی اموات به وسیله این دستگاه شرایط لازم برای تحقق غسل میّت را دارد یا نه. بحث در اینباره تا حدودی شبیه بحث ذبح مکانیزه حیوانات است و اشکالاتی که ممکن است بر آن وارد باشد را می توان در اینجا هم وارد دانست.

۱/۲/۲. عدم انتساب فعل غسل مکانیزه به انسان

نخستین اشکالی که بر جواز غسل مکانیزه اموات وارد شده، آن است که عمل غسل در این شیوه، عرفاً به انسان منتسب نیست. توضیح آنکه در غسل مکانیزه، عملیات شست و شو توسط دستگاهی انجام می گیرد که فاقد اراده و نیت است، در حالی که غسل میّت یک عمل عبادی محسوب می شود و عبادات به دلیل ماهیت تعبدی خود باید از سوی فاعل انسانی صادر شود. از این رو، چنانچه فعل از انسان منتزع نشود و مستند به ابزار بی جان گردد، عرف و شرع آن را «عمل مکلف» به شمار نمی آورد.

به بیان دیگر، اشکال کننده بر این باور است که در غسل مکانیزه، دستگاه است که آب را بر بدن می ریزد و بدن میّت را شست و شو می دهد، نه غسل؛ در نتیجه، عمل غسل مستند به انسان نیست و چون غسل عبادتی است که صدورش باید از مکلف مختار باشد، چنین عملی نمی تواند مصداق امتثال امر شارع قرار گیرد. بر اساس این دیدگاه، حتی اگر غسل دستگاه را روشن کند، فعل شست و شو در واقع از دستگاه صادر شده و نه از او، و در نتیجه انتساب عرفی بین فعل و فاعل انسانی منتفی است.

پیش از بررسی انتساب فعل غسل در شیوه مکانیزه، لازم است مبنای فقهی این انتساب تبیین شود؛ زیرا ملاک صحت بسیاری از افعال شرعی، صرف وقوع نتیجه خارجی نیست، بلکه استناد عرفی آن به فاعل مختار است. از این رو، در فقه امامیه میان «فعل مباحثی» و «فعل تسبیبی» تفکیک شده است.

مراد از فعل مباحثی آن است که تمام اجزای عمل بدون واسطه و مستقیماً از فاعل صادر گردد؛ مانند آنکه غسل شخصاً آب را بر اعضای میت جاری سازد. در مقابل، فعل تسبیبی آن است که فاعل با به کارگیری ابزار، وسیله یا نظامی تحت اختیار خود، سبب تحقق عمل گردد؛ به گونه ای که عرف، نتیجه حاصل را همچنان به او نسبت دهد، هرچند بخشی از فرایند توسط ابزار انجام پذیرد.^۳ بنابراین، تفاوت این دو قسم، در نحوه تحقق فعل است، نه در اصل انتساب آن به فاعل.

ملاک در این انتساب، بنای عقلا و فهم عرفی است. در نگاه عرف، هرگاه شخص با اراده و اختیار خود وسیله ای را برای انجام عملی به کار گیرد و آن وسیله فاقد اراده مستقل باشد، نتیجه حاصل به همان شخص مستند خواهد بود؛ زیرا ابزار، چیزی جز امتداد قدرت و اراده فاعل محسوب نمی شود. از این رو، در موارد فراوانی از زندگی روزمره و نیز در ابواب مختلف فقه، فعل به کسی نسبت داده می شود که سبب تحقق آن را فراهم کرده است، نه به وسیله ای که نقش ابزاری داشته است.

۱. روحانی، استفتانات صادق روحانی، ۳۲/۲

۲. مرعی، القاموس الفقہی، ۱۸۱

۳. هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ۴۶۶/۲

همین مبنا در بسیاری از مسائل فقهی نیز مورد پذیرش قرار گرفته است. برای نمونه، در ذبح مکانیزه حیوانات^۱، تطهیر اشیا با ماشین لباس شویی، یا بهره‌گیری از تجهیزات مختلف در اجرای احکام شرعی، آنچه موضوع حکم قرار می‌گیرد، استناد عرفی فعل به انسان مختار است، نه مباشرت جسمانی او در تمام جزئیات عمل. از این رو، صرف وجود واسطه‌های مکانیکی یا الکترونیکی، تا زمانی که استقلالی در تصمیم‌گیری و اجرا نداشته باشند، موجب سلب انتساب عرفی نخواهد بود.

بر این اساس، در دستگاه‌های نیمه‌خودکار تغسیل نیز اگر آغاز عملیات، تنظیم مراحل، کنترل فرایند و امکان توقف یا ادامه آن، همگی تحت اختیار غسال باشد و دستگاه صرفاً نقش ابزار اجرایی را ایفا کند، عرف، فعل غسل را به غسال نسبت می‌دهد، نه به دستگاه؛ زیرا دستگاه فاقد قصد، اراده و اختیار مستقل است و تمامی عملکرد آن در طول اراده اپراتور تحقق می‌یابد. اما اگر دستگاه به گونه‌ای طراحی شود که پس از آغاز کار، بدون امکان نظارت و کنترل مؤثر انسان، تمام مراحل را به صورت مستقل انجام دهد، انتساب عرفی فعل به انسان محل تأمل خواهد بود و همین امر منشأ اشکال برخی از فقها در مشروعیت این شیوه است.

از سوی دیگر، نقش اراده و نیت در تحقق انتساب نیز قابل توجه است. هرچند روایت مشهور «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»^۲ ناظر به ارزش و جهت‌گیری شرعی اعمال است، اما مؤید آن است که عمل شرعی زمانی به مکلف نسبت داده می‌شود که از اراده و قصد او سرچشمه گرفته باشد. بنابراین، در غسل مکانیزه نیز آنچه منشأ انتساب فعل است، اراده و اختیار غسال در به‌کارگیری دستگاه و هدایت مراحل آن است، نه صرف حرکت مکانیکی اجزای دستگاه. در نتیجه، هرگاه دستگاه در طول اراده انسان و به عنوان ابزار اجرای فرمان او عمل کند، تحقق فعل از منظر عرف و بنای عقلا به غسال مستند خواهد بود و استفاده از ابزار مکانیکی، به خودی خود، مانع انتساب فقهی فعل نخواهد بود.

۲/۲/۲. عدم حصول قصد قربت

ممکن است گفته شود که: غسل نوع خاصی از شستن است و با مطلق شستن و ازاله نجاست تفاوت دارد. تطهیر لباس یک واجب توصلی است که نیازی به قصد قربت ندارد و عمل شستن به هر کیفیتی که باشد، تطهیر حاصل می‌شود، ولو باد لباس را داخل آب بیاندازد و شرایط تطهیر فراهم شود. اما غسل یک واجب تعبّدی و توقیفی است که قصد قربت در آن شرط بوده و لذا باید به همان کیفیتی حاصل شود که شارع خواسته است. یکی از شروط فعل تعبّدی این است باید تماماً با مباشرت انسان صورت گیرد و همانگونه که انسان نمی‌تواند ربات نمازگزار بسازد که در طول روز با زدن دکمه آن نمازهایش را بخواند، در غسل میّت هم انجام این عمل مجزی نیست!

جواب: اصولیون برای واجب توصلی و تعبّدی دو تعریف بیان کرده‌اند که بر اساس هر دو، غسل میّت در دایره واجبات توصلی قرار می‌گیرد:

۱- واجب تعبّدی واجبی است که در انجامش سه چیز شرط می‌باشد:

الف) مباشرت مکلف: یعنی مکلف باید خودش آن را انجام دهد و اگر برای آن نائب بگیرد یا شخص دیگری تبرّعاً آن را انجام دهد از عهده مکلف ساقط نمی‌شود.

ب) اختیار و اراده مکلف: یعنی باید مکلف آن را با قصد و التفات و بدون اجبار انجام دهد.

ج) انجام گرفتن در ضمن یک فرد جایز: یعنی مکلف باید آن را از راه مباح و با ابزار حلال انجام دهد.^۳

در غسل میّت مباشرت مکلف (شرط اول) شرط نیست؛ چون یک واجب کفایی است که اگر یکی از مسلمین مبادرت به آن کرد از عهده دیگران ساقط می‌شود. همین یک شرط برای خروج این عمل از این تعریف واجب تعبّدی کافی است.

ممکن است کسی بگوید: منظور از مباشرت در غسل میّت با مباشرتی که در واجب تعبّدی شرط است متفاوت است. مراد از مباشرت در غسل این است که غسال (هر کسی باشد) با دستان و نیروی بازوی خودش میّت را غسل دهد.

جواب: در غسل چنین شرطی وجود ندارد و اصل بر عدم آن است.

۱. هاشمی شاهرودی، قراءات فقهیه معاصره، ۱۱/۲.

۲. ابن حیون، دعائم الاسلام، ۴/۱.

۳. خونی، محاضرات فی اصول الفقه، ۴۹۲/۱.

اما نسبت به دو شرط دیگر اشکالی وارد نیست؛ زیرا غسل با دستگاه آن دو شرط را دارد؛ چون کلیدهای دستگاه در اختیار یک اپراتور است که قطع و وصل عملیات غسل به اراده او و با مباشرت او صورت می‌گیرد و دستگاه هیچ گونه اراده‌ای مستقل از اراده او نداشته و او با در اختیار گرفتن کنترل دستگاه فعال ما پشاه بوده و هر آنچه مربوط به عملیات غسل بوده تحت اختیار و اراده او انجام می‌گیرد.

۲- واجب تعبدی واجب است که در انجامش قصد قربت شرط است و بدون قصد قربت ساقط نمی‌شود؛ مانند نماز، روزه و حج. در مقابل واجب توصیلی واجب است که در انجامش قصد قربت شرط نیست و صرف انجام دادن آن با هر نیتی که باشد مسقط تکلیف است؛ بله، اگر با قصد قربت انجام شود، فاعل آن مستحق ثواب است اما قصد قربت شرط صحت آن نیست. آقای خوئی پس از این تعریف برای واجب توصیلی به غسل، کفن و دفن میت مثال می‌زنند.^۱

اشکال: برخی از فقهاء در غسل میت قصد قربت را شرط می‌دانند.^۲

در پاسخ گفته می‌شود که اولاً قصد قربت، نیت قلبی فاعل مختار در ابتدای عمل است و شارع در عبادات، استمرار لفظی یا توجه ذهنی پیوسته را شرط نکرده است. نیت، یک امر نفسانی است که با تصمیم و قصد انجام کار برای امتثال امر خداوند تحقق می‌یابد، و استمرار و التفات تفصیلی به آن در تمام لحظات فعل، لازم نیست؛ بلکه کافی است فعل عرفاً متصل به نیت بوده و از فاعل دارای قصد صادر شود و قصد اجمالی و ارتکازی آن برای صحت عمل عبادی کفایت می‌کند.^۳

به تعبیر دیگر، همان‌گونه که در وضو، مکلف با نیت قربت آب را باز می‌کند و دست‌ها را می‌شوید، هرچند توجه ذهنی او در لحظه رسیدن آب به انگشت آخر کمتر شده باشد، باز هم عمل به او منسوب و صحیح است، در غسل مکانیزه نیز اگر غسل با نیت انجام غسل شرعی میت به قصد قربت دکمه آغاز را فشار دهد، تمام حرکات بعدی دستگاه در حکم ادامه همان فعل ارادی است. عرف، نتیجه عمل را به همان نیت ابتدایی مستند می‌سازد و انقطاع زمانی کوتاه یا دخالت ابزار، به صحت نیت آسیبی نمی‌زند.

ثانیاً، در صورت امکان، می‌توان طراحی دستگاه را به گونه‌ای تنظیم کرد که غسل در هر مرحله از سه غسل، کلید مستقل را فعال سازد و به این ترتیب نیت خود را برای هر غسل تجدید کند (نیت غسل با سدر، نیت غسل با کافور، نیت غسل با آب خالص). در این صورت، نه تنها قصد قربت در هر مرحله حاصل می‌شود، بلکه مباشرت عرفی نیز به صورت روشن برقرار می‌گردد.

در نتیجه، اشکال عدم تحقق قصد قربت در غسل مکانیزه، در صورتی که غسل نیت قربت را در آغاز هر مرحله داشته و کنترل فرایند در اختیار او باشد، مردود است. بنابراین، غسل مکانیزه می‌تواند با حفظ نیت شرعی، مصداق صحیح امتثال امر الهی و عبادت تلقی گردد.

نکته ای که در پایان این بخش بایسته است به آن توجه شود این است که روایات علت وجوب غسل میت، دو علت را برای آن ذکر کرده اند:

۱- پاک شدن از آلودگی‌های مریضی‌ها و اصناف بیماری‌هایی که به میت رسیده برای مباشرت با فرشتگان و اهل آخرت.

۲- جنب شدن با خروج منی‌ای که از آن آفریده شده است. از طرفی در ابتدای همین حدیث علت غسل جنابت را پاکیزگی انسان از جنابتی که از تمام بدنش خارج گردیده معرفی می‌کند.^۴

اگرچه به نظر میرسد این احادیث از احادیث مشکل و دارای ابهام است و بایستی علم آن به خدا و اولیاءش واگذار شود ولی بفرض که به ظاهر دو علت اخذ شود، ممکن است باتوجه به این دو علت گفته شود: این دو علت، بیش از صرف پاک شدن بدن را اقتضاء ندارد و لذا همانطور که لباس با شستن پاک شده و نیازی به قصد قربت ندارد، صرف تطهیر بدن در غسل کافی بوده و تأمین کننده ملاک تشریع این حکم است و لذا نیازی به قصد قربت نیست.

۱. خوئی، محاضرات فی اصول الفقه، ۴۹۲/۱

۲. یزدی، عروة الوثقی، ۳۲/۲

۳. امام خمینی، توضیح المسائل امام و مراجع، ۵۳۱/۱

۴. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۸۹/۲

از دیگر اشکالاتی که در زمینه غسل مکانیزه مطرح شده، این است که غرض اصلی شارع از تشریع احکامی مانند غسل و کفن میت، در چنین شیوه‌ای محقق نمی‌شود.

مستشکل بر این باور است که هدف شارع از جعل این احکام، صرفاً طهارت جسمانی میت نیست، بلکه مقصود اصلی آن است که این اعمال برای زندگان موجب تنبّه، بیداری دل‌ها و یادآوری مرگ باشد. در حالی که اگر این فرایند به صورت کاملاً مکانیزه و بدون مباشرت انسانی انجام گیرد، دیگر آن اثر تربیتی و معنوی بر انسان‌های زنده مترتب نخواهد شد.

یا حداقل می‌توان گفت: در تحقق این اثر شک داریم، و در موارد شک در محصل غرض شارع، مقتضای قاعده احتیاط آن است که چنین عملی کافی دانسته نشود.^۱

در پاسخ می‌توان گفت: با مراجعه به روایاتی که در باب علت تشریع غسل میت وارد شده، روشن می‌شود که چنین غرضی اصلاً در لسان معصومین (ع) مطرح نشده است؛ چه رسد به آنکه غرض اصلی شارع محسوب گردد.

در عوض، در روایات دو غرض اساسی برای غسل میت بیان شده است که هر دو متعلق به خود میت است، نه به انسان‌های زنده. برای نمونه، محمد بن سنان از امام رضا (ع) نقل می‌کند که آن حضرت در پاسخ به سؤالاتی نوشتند:

«علّت غسل میت این است که او از آلودگی‌های بیماری‌ها و انواع مریضی‌هایی که به او رسیده پاکیزه گردد؛ زیرا او با فرشتگان دیدار و با اهل آخرت مباشرت می‌نماید. پس شایسته است وقتی بر خداوند عزّوجلّ وارد شده و با اهل طهارت دیدار می‌کند یا آنان با او تماس می‌گیرند، در حال طهارت و پاکیزگی باشد.

و علّت دیگر آن این است که منی‌ای که از آن آفریده شده از او خارج می‌شود و جنب می‌گردد، پس غسلش برای آن است.»^۲

همچنین در روایت دیگری، فضل بن شاذان از همان امام همام (ع) نقل می‌کند:

«غسل میت تنها به این خاطر واجب شده است که وقتی می‌میرد، نجاست، آفت و آزار بر او چیره می‌شود. پس دوست دارد با اهل طهارت، یعنی فرشتگانی که او را همراهی می‌کنند، با طهارت مباشرت کند و آنان با او در حالی که پاکیزه است و روبه سوی خدای عزّوجلّ دارد تماس گیرند. و هیچ میتی نمی‌میرد مگر اینکه از او [عامل] جنابت خارج می‌شود و به خاطر آن غسل واجب می‌گردد.»^۳

بر پایه این روایات، روشن می‌شود که غرض شارع از تشریع غسل میت، تطهیر معنوی و جسمانی خود میت در آستانه ورود به عالم دیگر است، نه ایجاد حالت عبرت برای زندگان.

بنابراین، اگر این غرض – یعنی طهارت بدن میت و آمادگی برای ملاقات ملائکه – از طریق دستگاه مکانیزه نیز تحقق یابد، شک در محصل غرض شارع وجهی ندارد و اصل احتیاط در اینجا جاری نمی‌شود.

از این رو، استناد به قاعده «شک در تحقق غرض» در این مسئله ناتمام است، زیرا غرض شارع به روش خاصی از مباشرت انسانی مقید نیست، بلکه به تحقق نتیجه طهارت و امثال امر الهی تعلّق دارد.

۲/۲/۴. هتک حرمت میت

همان‌گونه که در بخش «مزایا و محدودیت‌ها» گذشت، یکی از کارکردهای مهم دستگاه، حفظ بیشتر کرامت میت است. در اینجا، سخن نه از اصل این مزیت، بلکه از پاسخ به اشکال فقهی هتک حرمت است، زیرا در نگاه شرع مقدّس، حرمت میت همچون حرمت انسان زنده است: «حرمة الميت كحرمة الحي».^۴

اولاً، همان‌گونه که در بخش «مزایای دستگاه» بیان شد، در برخی شرایط خاص، حفظ جان انسان‌های زنده بر حفظ حرمت میت ترجیح دارد.

۱. صدر، بحوث في علم الأصول، ۳۱۳/۴.

۲. ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۸۹/۲.

۳. همان، ۱۱۴/۲.

۴. عاملی، وسائل الشیعة، ۳۲۷/۲۹.

در مواردی که میّت بر اثر بیماری‌های خطرناک و مسری از دنیا رفته و تماس مستقیم با بدن او خطر ابتلا و مرگ را برای غسالان به همراه دارد، رعایت اصول بهداشتی و استفاده از تجهیزات مکانیزه امری عقلایی و بلکه واجب است. شارع مقدّس نیز در تراحم میان دو مصلحت - یعنی «حفظ حرمت میّت» و «صیانت از جان انسان‌های زنده» - به طور قطع، مصلحت حفظ نفس را اهمّ می‌داند.

افزون بر این، حتی درباره انسان زنده نیز هنگامی که به بیماری‌های خطرناک مبتلاست، اقدامات پیشگیرانه‌ای همچون قرنطینه، پوشاندن کامل بدن یا محدودسازی تماس با دیگران، انجام می‌گیرد؛ گرچه چنین اقداماتی نوعی محدودیت در حرمت ظاهری او تلقی می‌شود، اما از آن‌جا که غرض مهم‌تر حفظ سلامت جامعه است، نه تنها جایز بلکه لازم دانسته می‌شود.

پس به طریق اولی، انجام عملیات غسل به صورت مکانیزه در چنین مواردی، نه تنها هتک حرمت نیست، بلکه مصداق ترجیح اهمّ بر مهمّ و رعایت قاعده عقلایی «تقدیم حفظ نفس بر حفظ حرمت» است.

ثانیاً، در بسیاری از موارد، غسل مکانیزه نه تنها موجب هتک حرمت نمی‌شود، بلکه خود سبب رعایت بیشتر حرمت میّت است. به‌ویژه در موقعیت‌های بحرانی مانند زلزله، جنگ یا همه‌گیری‌های گسترده که تعداد زیادی از اموات در مدت کوتاهی باید تجهیز شوند، سرعت و دقت در انجام غسل اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. در چنین شرایطی، اگر فرایند غسل با کندی یا تأخیر انجام شود، فساد بدن‌ها و تعفن آن‌ها سبب هتک حرمت واقعی و آشکار می‌شود. به همین دلیل، استفاده از دستگاه مکانیزه که می‌تواند در زمان کوتاه تعداد زیادی از میّت‌ها را غسل دهد، در واقع راهی برای حفظ بیشتر احترام آنان است.

افزون بر آن، در شیوه سنتی گاه به دلیل ناآگاهی یا بی‌دقتی غسالان، عورت میّت کشف می‌شود یا تماس مستقیم با بدن متوفی - که قوه ماسکه خود را از دست داده - باعث خروج نجاسات و بی‌احترامی به او می‌گردد. در مقابل، دستگاه مکانیزه با طراحی دقیق خود، این مشکلات را به حداقل می‌رساند؛ زیرا اولاً می‌توان با پوشش مناسب عورتین از ابتدا تا پایان غسل را پوشیده نگاه داشت، و ثانیاً تماس دست انسان با بدن به حداقل می‌رسد و حرمت میّت بهتر حفظ می‌شود.

ممکن است اشکال شود که تصویربرداری از بدن میّت توسط دوربین‌های دستگاه خود نوعی هتک حرمت است. در پاسخ گفته می‌شود که می‌توان دوربین‌ها را به گونه‌ای تنظیم کرد که از محدوده عورت تصویری ثبت نکنند و صرفاً نواحی عمومی بدن را برای کنترل شرعی و فنی ثبت نمایند. در این صورت، نه تنها هتکی رخ نمی‌دهد، بلکه ثبت مراحل غسل به عنوان سند شرعی و نظارتی، می‌تواند تضمین‌کننده صحت و کرامت در فرایند تغسیل باشد.

بر این اساس، ادعای هتک حرمت در غسل مکانیزه نه تنها بی‌پایه است، بلکه در بسیاری از موارد، استفاده از دستگاه عین احترام به میّت و پاسداری از حرمت او در برابر رفتارهای غیرعلمی یا غیرشرعی در روش‌های سنتی خواهد بود.

۲،۲،۵. تحلیل تطبیقی غسل مکانیزه با نهادهای مشابه فقهی

یکی از روش‌های متداول در استنباط احکام مسائل مستحدثه، مقایسه آنها با موضوعات مشابهی است که پیش‌تر در فقه مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. هرچند غسل مکانیزه اموات به عنوان مسئله‌ای مستقل سابقه‌ای در منابع فقهی ندارد، اما مبانی حاکم بر آن در ابواب مختلف فقه قابل پیگیری است و بررسی تطبیقی آنها می‌تواند در تبیین حکم این مسئله نقش مؤثری ایفا کند.

نخستین و نزدیک‌ترین نمونه، ذبح مکانیزه حیوانات است. در این مسئله نیز پرسش اصلی آن است که آیا با وجود دخالت دستگاه، ذبح عرفاً به انسان منتسب است یا خیر. بسیاری از فقها با این مبنا که دستگاه صرفاً ابزار اجرای اراده ذابح است، در فرض تحقق شرایط شرعی از قبیل تسمیه، قطع اعضای معتبر و کنترل فرایند توسط انسان، ذبح را صحیح دانسته‌اند. بنابراین، ملاک صحت در این باب، مباشرت جسمانی انسان در تمام مراحل عمل نیست، بلکه استناد عرفی فعل به فاعل مختار است. همین مبنا در غسل مکانیزه نیز قابل جریان است؛ زیرا دستگاه، در فرض کنترل و هدایت توسط غسال، استقلال در انجام عمل نداشته و تنها وسیله تحقق اراده او محسوب می‌شود.

نمونه دیگر، استفاده از ابزارهای مکانیکی در وضو و غسل است. هرچند در این ابواب، شخص مکلف مستقیماً موضوع تکلیف است، اما فقها استفاده از شیرهای خودکار، دوش‌های مکانیزه یا سایر تجهیزات انتقال آب را منافعی صحت وضو و غسل ندانسته‌اند؛ زیرا آنچه موضوع حکم است،

تحقق شستن اعضا به اراده مکلف است، نه کیفیت انتقال آب. ازاین‌رو، دخالت ابزار مادامی که اراده انسان را سلب نکند، تأثیری در صحت عمل ندارد.

همچنین در باب تطهیر اشیاء با ماشین لباس‌شویی نیز فقهای معاصر، در صورت تحقق شرایط شرعی تطهیر، پاک شدن لباس را صحیح دانسته‌اند؛ با آنکه تمام عملیات شست‌وشو توسط دستگاه انجام می‌شود. منشأ این حکم آن است که عرف، عمل شستن را به شخصی نسبت می‌دهد که دستگاه را برای تحقق این نتیجه به کار گرفته است، نه به خود دستگاه. این نمونه نیز مؤید آن است که در نگاه عرف و بنای عقلا، استفاده از ابزارهای مکانیکی، مادام که در طول اراده انسان باشند، مانع انتساب فعل به فاعل مختار نخواهد بود.

البته غسل میت از جهاتی با نمونه‌های یادشده تفاوت دارد؛ زیرا افزون بر مسئله انتساب فعل، رعایت شرایط ویژه‌ای همچون نیت، ترتیب میان غسل‌ها و اعضای بدن، کیفیت مأموریه و حفظ کرامت میت نیز در صحت آن دخالت دارد. ازاین‌رو، استناد به نمونه‌های مشابه، تنها می‌تواند مبنای انتساب عرفی فعل را تبیین کند و اثبات مشروعیت غسل مکانیزه نیازمند احراز سایر شرایط شرعی نیز خواهد بود؛ امری که در بخش‌های پیشین این پژوهش به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت.

۳. ادله شرعی غسل میت با دستگاه در حالت اضطرار

بحث‌های پیشین ناظر به مشروعیت غسل مکانیزه در شرایط عادی و اختیاری بود؛ یعنی فرضی که امکان تغسیل متعارف توسط غسال وجود داشته و تنها سخن در جواز استفاده از ابزارهای مکانیزه به جای روش سنتی است. اما در بسیاری از شرایط استثنایی، مانند شیوع بیماری‌های واگیردار خطرناک، وقوع جنگ، زلزله، حوادث گسترده انسانی، کمبود شدید نیروی متخصص تغسیل یا وجود خطر جانی برای غسالان، مسئله از دایره اختیار خارج شده و در قلمرو «اضطرار» قرار می‌گیرد. در چنین مواردی، حتی اگر کسی نسبت به مشروعیت غسل مکانیزه در حالت عادی تردید داشته باشد، ادله فقهی متعددی بر جواز و بلکه لزوم استفاده از آن دلالت می‌کند.

نخست، قاعده «الضرورات تبیح المحظورات»^۱ اقتضا می‌کند که در شرایط اضطراری، محدودیت‌های ناشی از احکام اولیه به مقدار ضرورت برداشته شود. بنابراین، اگر تماس مستقیم با بدن میت احتمال عقلایی انتقال بیماری یا آسیب جدی به غسالان را در پی داشته باشد، استفاده از دستگاه مکانیزه به عنوان نزدیک‌ترین راه برای انجام غسل شرعی جایز خواهد بود.

دوم، قاعده «نفی حرج» مستفاد از آیه شریفه «وَمَا جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج: ۷۸) بر رفع احکام حرجی دلالت دارد. ازاین‌رو، هرگاه انجام غسل به روش متعارف موجب مشقت شدید و غیرمتعارف باشد، استفاده از روش‌های جایگزین و کم‌مشقت، از جمله دستگاه‌های مکانیزه، با این قاعده سازگار خواهد بود.

سوم، حفظ جان انسان‌های زنده از مهم‌ترین مقاصد شریعت است.^۲ در مواردی که تغسیل سنتی سلامت غسالان یا جامعه را تهدید کند، مصلحت حفظ نفس بر رعایت برخی خصوصیات اجرایی غسل مقدم خواهد بود و استفاده از تجهیزات مکانیزه برای کاهش خطر، مشروعیت می‌یابد.

چهارم، قاعده رعایت مصالح عمومی مسلمانان^۳ نیز مؤید این حکم است؛ زیرا در شرایط بحرانی، استفاده از دستگاه‌های مکانیزه می‌تواند از گسترش بیماری جلوگیری کرده، سرعت تجهیز اموات را افزایش دهد و مانع هتک حرمت آنان بر اثر تأخیر در تغسیل و تدفین گردد.

از موارد مشابه در فقه سنتی با ضرورت در محل بحث، فرع مربوط به صحت غسل میت مسلمان توسط کافر در فرض اضطرار یعنی عدم وجود مسلمانی که قادر بر تغسیل باشد، است؛^۴ زیرا با توجه به عدم امکان تحقق قصد قربت از کافر (نزد کسانی که قصد قربت را در غسل میت معتبر می‌دانند) می‌تواند موجب وضوح محل بحث گردد.

بنابراین، بر فرض وجود تردید در مشروعیت غسل مکانیزه در حالت اختیار، در شرایط اضطراری با استناد به قواعد ضرورت، نفی حرج، حفظ نفس و رعایت مصالح عمومی، جواز استفاده از دستگاه‌های مکانیزه برای تغسیل اموات قابل اثبات خواهد بود.

^۱ کاشف الغطاء، تحریرالمجلة، ۱/۱۴۳.

^۲ مصطفوی، القواعد الفقهیه، ۱۲۸.

^۳ عمید زنجانی، قواعد فقه، ۳/۲۰۰.

^۴ شهید ثانی، مسالک الافهام، ۸۱/۱.

افزون بر ادله یادشده، در شرایط اضطرار نیز رعایت نظارت شرعی بر فرایند تغسیل ضروری است. هرچند ضرورت ممکن است اقتضای تسریع در تجهیز اموات و استفاده گسترده از تجهیزات مکانیزه را داشته باشد، اما این امر موجب سقوط الزامات شرعی مربوط به کیفیت انجام غسل نخواهد شد. ازاین‌رو، لازم است ناظر شرعی یا فرد آگاه به احکام تغسیل، بر صحت اجرای مراحل غسل، رعایت ترتیب میان غسل‌ها، وصول آب به تمام بدن و تحقق سایر شرایط معتبر در غسل نظارت داشته باشد تا اطمینان حاصل شود که ضرورت، موجب اخلال در امتثال تکلیف شرعی نشده است.

نتیجه‌گیری

بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، غسل میّت به‌عنوان یک حکم تعبّدی-توصّلی، در صورت تحقق شرایط معتبر فقهی از جمله نیت، ترتیب و رسیدن آب به تمام بدن، می‌تواند از طریق ابزارهای مکانیزه نیز انجام گیرد و دلیلی بر منع شرعی آن وجود ندارد. اشکالات مطرح‌شده نظیر عدم انتساب فعل، فقدان قصد قربت، تردید در تحقق غرض شارع و عنوان هتک حرمت، با تحلیل‌های فقهی قابل دفع است و در نهایت، نه‌تنها مانع جواز نمی‌شود، بلکه در برخی موارد، استفاده از فناوری‌های نوین به حفظ کرامت میّت و رعایت مصالح عمومی نیز کمک می‌کند.

افزون بر این، در شرایط اضطرار و بحران، با اتکاء به قواعد فقهی همچون نفی حرج، ضرورت و حفظ نفس محترمه، جواز استفاده از غسل مکانیزه تقویت می‌گردد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که بهره‌گیری از دستگاه‌های مکانیزه در تغسیل اموات، در چارچوب ضوابط شرعی و با نظارت فقهی، امری جایز و قابل دفاع بوده و می‌تواند در خدمت تحقق هم‌زمان کرامت انسانی و مصالح اجتماعی قرار گیرد. و الله العالم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. عیون أخبار الرضا(ع). تهران: جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ق.
۲. ابن حیون، نعمان بن محمد. دعائم الإسلام. مصر: دارالمعارف. ۱۳۸۳ق.
۳. اصفهانی، محمد حسن بن باقر. جواهر الکلام. بیروت: دار إحياء تراث العربی، چاپ هفتم، ۱۳۶۲ش.
۴. آملی، محمد تقی. مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی. بی جا: بی نا، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
۵. امام خمینی، روح الله. توضیح المسائل (امام و مراجع). قم: دفتر انتشارات اسلامی. چاپ هشتم، ۱۳۸۱ش.
۶. تبریزی، جواد. استفتاءات (تبریزی). قم: سرور، چاپ سوم، ۱۳۸۵ش.
۷. تسخیری، محمد علی، القواعد الفقهية والاصولية على مذهب الامامية، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب، ۱۴۲۵ق.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، چاپ سوم، ۱۴۱۶ق.
۹. خوئی، ابوالقاسم. محاضرات فی أصول الفقه. قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۰. روحانی، محمد صادق. استفتاءات (صادق روحانی). قم: حدیث دل، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۱۱. شبیری زنجانی، موسی. استفتاءات (شبیری). قم: مرکز فقهی امام محمد باقر(ع)، چاپ اول، ۱۳۹۶ش.
۱۲. شهید ثانی، زین الدین. مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الإسلام. قم: موسسه معارف اسلامی. ۱۴۱۳ق.
۱۳. صافی گلپایگانی، لطف الله. جامع الأحكام. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، چاپ چهارم، ۱۳۸۵ش.
۱۴. صدر، محمد باقر. بحوث فی علم الأصول (تقریرات عبد السّاتر). بیروت: الدّار الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۱۵. طباطبائی، علی بن محمد. ریاض المسائل. قم: موسسه آل البيت. چاپ اول. ۱۴۱۸ش.
۱۶. طریحی، فخرالدّین بن محمد علی. مجمع البحرين. تهران: مكتبة المرتضوية، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۷. عمید زنجانی، عباسعلی. قواعد فقه. تهران: سمت. ۱۳۸۸ش.
۱۸. غدیری، عبدالله عیسی ابراهیم. القاموس الجامع للمصطلحات الفقهية. بیروت: دار الرسول الأکرم(ص)، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۱۹. فلاح زاده، حسین. دستگاه مکانیزه ششستشوی اموات. قم: مؤسسه موضوع شناسی احکام فقهی، چاپ اول، ۱۳۹۶ش.
۲۰. قیومی، احمد بن محمد. المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر للرافعی. بیروت: المكتبة العلمية، چاپ اول، بی تا.
۲۱. کاشف الغطاء، محمد حسین. تحریر المجلة. قم: مجمع تقریب مذاهب اسلامی. چاپ اول. ۱۴۲۲ق.
۲۲. محقق حلّی، جعفر بن حسن. المعبر فی شرح المختصر. قم: موسسه سیدالشهداء. چاپ اول. ۱۳۶۴ش.
۲۳. مرعی، حسین. القاموس الفقهی، بیروت: دارالمجتبی. چاپ اول. ۱۴۱۳ق.
۲۴. مشکینی اردبیلی، علی. مصطلحات الفقه. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۹۲ش.
۲۵. مصطفوی، محمد کاظم. القواعد الفقهية. قم: موسسه نشر اسلامی. چاپ چهارم. ۱۴۲۱ق.
۲۶. مظاهری، حسین. استفتاءات (مظاهری). اصفهان: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء(س)، چاپ اول، ۱۳۹۴ش.
۲۷. موسوی سبزواری، عبدالاعلی. مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام. قم: السید عبدالاعلی السبزواری، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
۲۸. نراقی، احمد بن محمد مهدی. مستند الشیعة فی احکام الشریعة. قم: موسسه آل البيت. چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۲۹. نورى همدانی، حسین. هزار و یک مسئله (مجموعه استفتاءات). قم: مهدی موعود (عج)، چاپ پنجم، ۱۳۸۸ش.
۳۰. هاشمی شاهرودی، محمود. قراءات فقهية معاصرة. قم: مؤسسة دائرة المعارف الفقه الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۳۱. هاشمی شاهرودی، محمود. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت. قم: موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی. چاپ اول. ۱۳۸۲ق.
۳۲. یزدی، محمد کاظم بن عبدالعظیم. العروة الوثقی (عدة من الفقهاء، جامعه مدرسين). قم: مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.

نسخه پیش انتشار